



وسعت و عمق نوشته را بیشتر کنیم.

معلم این بار، در حالی که کوهی از کتاب را روی دستان خود حمل می‌کرد، وارد کلاس شد. کتاب‌ها را روی میز چید و بعد از سلام و احوالپرسی، شعر زیر را با لحنی گیرا و دلنشین خواند:

مردمان کتاب‌خوان گویند:
هر کتابی به راستی، گنجی است
گنج با رنج می‌شود پیدا
لیکن این گنج، گنج بی‌رنجی است

✱

می‌شود بر تو باز، روی جهان
تا شود بر کتاب، چشم‌ت باز
بر خطوطش که راه‌دانایی است
سفری در جهان، نما آغاز

✱

نتوانی شناخت، مردم را
تا که خود را نخست شناسی
تا نخوانی کتاب‌های درست
خویش‌تن را درست شناسی

◆ محمود کیانوش

۱. نام کتابی که خوانده‌ام:

نکته‌ای که آموختم:
.....

۲. نام کتابی که خوانده‌ام:

نکته‌ای که آموختم:
.....

۳. نام کتابی که خوانده‌ام:

نکته‌ای که آموختم:
.....

۴. نام کتابی که خوانده‌ام:

نکته‌ای که آموختم:
.....

۵. نام کتابی که خوانده‌ام:

نکته‌ای که آموختم:
.....

۶. نام کتابی که خوانده‌ام:

نکته‌ای که آموختم:
.....

معلم، پس از تأمل در نوشته‌های دانش‌آموزان، گفت: «مطالعه و خواندن کتاب، یکی از مناسب‌ترین راه‌ها، برای رشد و تقویت تفکر و افزودن بر توانایی‌های ذهن و زبان در نوشتن است. یک کشاورز را در نظر بگیرید. دانه را در زمین می‌کارد؛ به آن آب می‌دهد و از آن مراقبت می‌کند تا به باروری برسد. نویسنده هم با خواندن، به خاطر سپردن و اندیشیدن، کشتزار ذهن خود را پرورش می‌دهد و به نوشته که محصول فکری اوست، دست می‌یابد. **پس نوشتن، فرزندِ خواندن است.** هرچه بیشتر کتاب بخوانیم، توانایی‌های ذهن ما بیشتر تقویت می‌شود و کار نوشتن برای ما آسان‌تر می‌شود.

البته خواست ما از «خواندن» فقط خواندن کتاب نیست. نگاه کردن به تصویر، تماشای فیلم، شنیدن حکایات و گفت و گوهای مردم و... همه، گونه‌ای متن هستند که می‌توانند به زایش و پویایی ذهن ما کمک کنند و بر ژرفایی و گستردگی نوشته بیفزایند». معلم، متن زیر را در اختیار یکی از دانش‌آموزان قرار داد و از او خواست، آن را با صدای بلند بخواند.

◀ نه قهرمان بر سکوی اول

زندگی پر از مسابقه است. تا حالا با خودتان در یک مسابقه شرکت کرده‌اید؟ تا حالا بر خودتان پیروز شده‌اید؟ کدام، لذت‌بخش‌تر است؛ پیروزی بر خود یا پیروزی بر دیگران؟ پیش از آنکه بیشتر توضیح دهم، از شما دعوت می‌کنم رویداد شیرین، شگفت و درس‌آموز زیر را بخوانید:

«مسابقه المپیک معلولان، شروع شده بود. تماشاگران، مشتاقانه، چشم دوخته بودند تا مسابقه دوی ۱۰۰ متر معلولان را تماشا کنند.

نه نفر از شرکت‌کنندگان پشت خط آغاز مسابقه، گوش سپرده بودند تا با شنیدن صدای تپانچه، حرکت خود را آغاز کنند؛ این نه نفر، همگی عقب‌مانده‌های جسمی و ذهنی بودند. هرچند آنان هرگز قادر به دویدن سریع نبودند؛ اما همگی سعی داشتند، مسیر مسابقه را طی کنند و نشان المپیک معلولان را بر گردن بیاویزند.

ناگهان، اتفاقی افتاد که همه چیز را عوض کرد. پای یکی از شرکت‌کنندگان پیچ خورد و به زمین افتاد. او بلافاصله چند غلت زد و کمی بعد، صدای ناله‌اش بلند شد. هشت نفر دیگر با شنیدن صدای ناله او، ایستادند و به عقب برگشتند.

اندکی بعد، هر نه نفر، بازو در بازوی هم انداختند و قدم زنان، خود را به خط پایان رساندند؛ یعنی همه آنان اول شدند.

اشک در چشمان تماشاگران جمع شده بود. آنها به پا خاستند و ده دقیقه تمام برای نه نفر قهرمان، کف زدند».

شکوه رفتار انسان‌های درستکار، تماشایی‌ترین صحنه است. زیبایی مسابقه در برنده شدن یک نفر نیست. اگر هشت نفر دهنده، رقیب خود را رها می‌کردند، امروز این «حماسه انسانی» نبود. پیروزی، زمانی گواراست که دیگران هم دیده شوند. درخت از آن جهت ستودنی است که سایه‌اش را به همه، حتی به هیزم‌شکن هم تعارف می‌کند.

آیا ما هر روز، شرکت‌کننده چنین مسابقه‌ای نیستیم؟ راستی ما بر کدام سگواستاده‌ایم؟ این سخن زیبای امام «مسابقه عاشورا» پایان مناسبی بر این نوشته است: **اَيُّهَا النَّاسُ نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ: مردم! در بزرگ‌منشی‌ها و نیکی‌ها با یکدیگر در مسابقه باشید.**

♦ سفر زندگی

معلم بعد از خواندن نوشته، گفت: «نویسنده برای توسعه دادن و عمیق‌تر کردن نوشته، از مطالعات پیشین خود بهره گرفته‌است. مهم‌ترین مواردی که نوشته را از حالت یک‌نواخت و سطحی بیرون آورده‌اند، عبارت‌اند از:

- از یک داستان واقعی «مسابقه المپیک معلولان» استفاده کرده است.
- در بخشی از نوشته، تمثیل «درخت از آن جهت ستودنی است که سایه‌اش را به همه، حتی به هیزم‌شکن هم تعارف می‌کند» را به کار برده است.
- در بخش نتیجه‌گیری از حدیث «اَيُّهَا النَّاسُ نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ» که با موضوع نوشته ارتباط دارد، بهره گرفته است.

نتیجه‌گیری از متن هم حاصل درک مناسب نویسنده است؛ درکی که در اثر کوشش ذهنی و تجزیه و تحلیل خواننده‌ها به دست آمده است. تأثیر مطالعات نویسنده در نثر او هم پیداست. استفاده از کلمات و ترکیبات تازه و متنوع، جمله‌های مختلف خبری، عاطفی، پرسشی و... نتیجه دانش و تجربه نویسنده است. دانش نویسنده، حتی در انتخاب موضوع، نظم ذهنی و ساختار منظم متن (داشتن موضوع، مقدمه، تنه و نتیجه) هم تأثیر گذاشته است.

بنابراین، مطالعه هدفمند و بهره‌گیری بجا و مناسب از خوانده‌ها، هنگام نوشتن، در گسترش دامنه نوشته و عمق‌بخشیدن به آن، مؤثر است.

نویسنده اهل مطالعه و خوش فکر:

♦ موضوع‌های خوبی برای نوشتن انتخاب می‌کند.

♦ به موضوع، متفاوت می‌نگرد.

♦ برای شرح، بسط و تحلیل موضوع از آیه، حدیث، سخنان حکیمانه، ضرب‌المثل و داستان‌های مناسب بهره می‌گیرد.

♦ برای بیان مطلب از شیوه‌های مختلفی مثل «مقایسه»، «تمثیل»، «مناظره» و ... استفاده می‌کند.

♦ نوشته را به نتایج ارزشمندی ختم می‌کند.



♦ نوشته زیر را بخوانید و نشان دهید کدام بخش از متن، تحت تأثیر مطالعات نویسنده، گستردگی و عمق بیشتری پیدا کرده است؟

انسان و فرشته، دو ستایشگر خالق هستند و به ستایشگری معروف‌اند. ولی آیا جز انسان و فرشته، ستایشگران دیگری هستند؟ آیا ما آنها را می‌بینیم؟ می‌شناسیم؟ حکایت زیر، آینه‌ای برای دیدن و شناختن اینان است:

«یاد دارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودم و سحر در کنار پیشه‌ای خفته. شوریده‌ای که در آن سفر همراه ما بود، نعره برآورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت. چون روز شد، گفتم: «این چه حالت بود؟».

گفت: «بلبلان را شنیدم که به نالاش درآمده بودند؛ از درخت؛ و کبکان در کوه و غوکان در آب و بهایم در بیشه. اندیشه کردم که مروت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته».

این حکایت، به خوبی، نشان می‌دهد که تنها انسان‌ها و فرشتگان نیستند که خداوند را ستایش می‌کنند؛ بلکه هر چه در زمین و آسمان است، به ذکر پروردگار مشغول است. قیام کوهساران، رکوع آبشاران، قنوت درختان، سلام غنچگان، همه و همه، نشان از سرود و ستایش دارند.

خداوند هم در قرآن کریم بر این حقیقت تأکید می‌کند و می‌فرماید: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (سوره تغابن و جمعه / آیه ۱). پیام این آیه برای ما انسان‌ها این است که در حمد و ستایش آفریدگارمان از حیوانات، جمادات و نباتات عقب نیفتیم.

هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
و یا

توحیدگوی او نه بنی آدم‌اند و بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

♦♦ موضوعی را انتخاب کنید و با بهره‌گیری از اطلاعات و دانش خود، به آن، گستره و عمق ببخشید.

موضوع:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



◆◆◆ نوشته‌های خوانده شده (در تمرین ۲) را ، با معیارهای زیر ارزیابی کنید.

سنگه‌های ارزیابی :

- ◆ داشتن پیش‌نویس؛
- ◆ داشتن پاک‌نویس (رعایت علائم نگارشی، املاي صحيح واژگان، درست نویسی ، خطِ خوش)؛
- ◆ گستردگی و عمق نوشته؛
- ◆ رعایت طبقه بندی ذهن و نوشته (آغاز، میانه و پایان)؛
- ◆ بهره‌گیری مناسب از شیوه‌های پرورش فکر؛
- ◆ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری

.....

.....

.....

.....

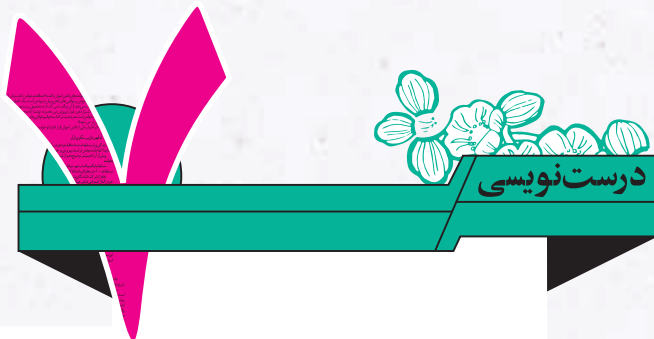
.....

.....

.....

.....





♦ الف) من برای دل خود می نویسم، بعضی ها کف می زنند .

♦ ب) من از برای دل خود می نویسم، بعضی ها کف می زنند .

جمله «الف»، درست است. استفاده از نشانه های ربط، متمم و... باید بجا و مناسب باشد. به کارگیری نامناسب این نشانه ها، به نوشته آسیب می رساند و درک و دریافت را دشوار می کند. در جمله «ب» کاربرد نشانه «از» اضافی است.

♦ جمله های زیر را ویرایش کنید:

♦ او در خدمت مردم بود بلکه کمترین چشمداشتی نداشت.

.....

♦ من مدیون به تو هستم و برای جبران ، سعی ام را خواهم کرد.

.....





- ♦ درختی را با ویژگی‌های زیر، تصوّر کنید و متنی درباره آن بنویسید.
- ♦ پا در هواست. ♦ ریشه‌هایش در ابر فرو رفته است.
- ♦ شاخه‌هایش روی زمین گسترده شده است.

Blank writing area with horizontal lines for the student's response.

